



تشکیل حکومت از منظر قرآن کریم

صغری محمدی آذر
دبیر دینی و قرآن

کلیدواژه‌ها: قرآن، حکومت اسلامی، رهبری، مردم، بیداری، تشکیل حکومت

مقدمه

مطالب و نوشته‌های فراوانی با محوریت «حکومت اسلامی و ابعاد آن» در قالب متون تفسیری، کتاب‌های علمی، نظریه‌های پرسمانی و یا انتقادی، پایان‌نامه‌ها و حتی مقالات به‌رشته‌ی تحریر درآمده‌اند. فراوانی این‌گونه نوشته‌ها ناظر بر تکراری بودن موضوع نیست، بلکه نشانگر اوج اهمیت این موضوع در متن زندگی انسانی و تأثیر گذاری آن بر زندگی فردی و اجتماعی افراد است. چرا که استقرار و ثبات زندگی شخصی و اجتماعی بدون نظام و حکومت غیرقابل تصور است. پس تشکیل حکومت و وجود یک نظام مشخص برای هر اجتماعی لازم و ضروری است. ضرورت حکومت تا آنجاست که طبق حدیثی از پیامبر اکرم (ص)، زمامداری انسان فاجر و ظالم بهتر از هرج و مرج و اختلاف در زندگی اجتماعی شمرده شده است (مجمع الزوائد، ج ۵: ۲۲۱). از سویی، حکومت تنها پناهگاه انسان‌های ضعیف برای بازستانی حق خود از زورگویان و قدرتمندان است. نظم و آرامش و برخورداری از حقوق طبیعی و انسانی

چکیده

زمانی که تنهایی بشر با تکثیر نسل انسان به هم‌زیستی در کنار دیگران تبدیل شد، «زندگی اجتماعی» تولد یافت و آدمی با وضع قانون‌های نخستین و ابتدایی برای مقابله با تعارض‌ها و اختلاف‌ها، به اجتماع حیات و حیثیت بخشید. اکنون اجتماع و مردم جزء جدایی‌ناپذیر زندگی انسان هستند که از یک سو دستیابی به پیشرفت را آسان‌تر و از سوی دیگر، زندگی را نیازمند قانون‌های بیشتر و جامع‌تر کرده‌اند. در واقع، هدایت تکوینی خداوند با هدایت تشریحی او کامل شد و اجتماع و زندگی مدنی بشریت با آمدن پیامبران و پیاده شدن قانون الهی در آن، رنگ خدایی گرفت. با سیر استکمالی دین و اصول آن و با ظهور دین اسلام و بعثت نبی مکرم اسلام (صلوات الله علیه)، اولین حکومت اسلامی تشکیل و به‌عنوان الگوی حکومت و نظام دارای برنامه کامل به دنیا عرضه شد. هر ملتی هم که آن را الگو قرار داد، در طول تاریخ ماندگار شد. این مقاله با نگاهی به چرایی و چگونگی حکومت اسلامی از منظر قرآن کریم، درصدد بازگویی ابعاد شناخته شده آن به نسل حاضر است. به این منظور به بیان ارزش‌ها و قداست حکومت اسلامی می‌پردازد که خود در تداوم حکومت الهی رسول خدا (ص) است، انقلاب اسلامی ایران انقلابی تأثیرگذار در بیداری ملت‌های مسلمان محسوب می‌شود و میراث گران‌قدر امام خمینی (ره) است.

در جامعه مرهون حکومت است. البته تجربه حکومت‌ها و دولت‌ها نشان داده است که هر حکومتی توان کسب رضایت حداکثری ملت خود را ندارد؛ جز حکومت‌هایی که مبنای دینی و اعتقادی دارند و براساس عدل و مساوات حقوقی افراد تشکیل شده‌اند. چون در این نوع حکومت‌ها مهم‌ترین رکن‌ها رهبری و مردم هستند؛ رهبری که حاکمیتی جز در جهت پیاده‌سازی قوانین اسلامی و حدود دینی ندارد. از این رو، سعادت دنیوی و اخروی افراد در سایه نظام اسلامی و رهبری استمرار می‌یابد و در طول رهبری خدایی تحولات مثبت و گسترده در جهان امروز انجام می‌شود.

بنابراین، تشکیل حکومت و ایجاد یک نظام مقتدر، هم به‌منظور اجرا و گسترش برنامه‌های اسلام و قرآن، و هم برای ایجاد بهترین پشتوانهٔ مقابله و مبارزه با معاندین و مستکبران عالم، امری بدیهی و از ضروریات است. بدون چنین حکومتی همهٔ برنامه‌های هدایت بشری و ایجاد آمادگی برای حکومت الهی امام زمان (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) امری فراموش شده خواهد بود و بیداری انسان‌های خفته در خواب غفلت، کاری بس سخت و غیرممکن می‌شود. قرآن کریم تشکیل حکومت را در رأس برنامه‌های اسلام قرار داده و همواره ملت‌ها را به حفظ آن تشویق و ترغیب کرده است؛ چرا که اصل تشکیل حکومت اسلامی بیشتر به نفع خود مردم است. حکومت مقتدر اسلامی به مسلمانان قدرت ایستادگی در مقابل تفرقه‌ها و استکبار را می‌دهد و با پیروی از رهبری آگاه از مبانی ارزش‌ها و برنامه‌های سیاسی و اجتماعی اسلام است که می‌توانند به‌عنوان ملتی پیروز، عزت را به سایر ملت‌ها و مذاهب صادر کنند.

حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن

قرآن کتاب هدایت و برنامهٔ کامل برای زندگی بشر دیرروز، امروز و فرداهاست. از آن‌رو که هیچ یک از نیازهای بشر را فروگذار نکرده، مگر اینکه راه‌حل و روزنهٔ تفکری فرا روی بشر قرار داده است. آیات مربوط به تشکیل حکومت در مدینه و پس از هجرت پیامبر اکرم (ص) نازل شده‌اند.

اولین آیه‌های تشکیل حکومت اسلامی در سورهٔ مائده، آیات ۴۴ تا ۴۹ آمده‌اند. خداوند در این آیات می‌فرماید: (... و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون * و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الظالمون * و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الفاسقون * و انزلنا الیک الكتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه من الکتاب و

مهمینا علیه فاحکم بینهم بما انزل الله ولا تتبع اهلهم عما جائک من الحق ... وان احکم بینهم بما انزل الله ولا تتبع اهلهم و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما انزل الله الیک *)؛ ... و کسانی که مطابق آنچه خداوند فرو فرستاده است حکم نکنند، کافرند و کسانی که مطابق آنچه خداوند فرو فرستاده حکم نکنند ستمگرند و کسانی که مطابق آنچه خداوند فرو فرستاده است حکم نکنند، فاسق‌اند و کتاب (قرآن) را بر تو به‌راستی فرو فرستادیم که تأییدکنندهٔ کتاب‌های آسمانی پیشین و حاکم بر آن‌هاست. بین آن‌ها مطابق آنچه بر تو نازل شده است، داوری کن و به‌جای حق از هواهای آنان پیروی مکن و در میان آنان به آنچه خداوند نازل کرده است، داوری کن و از هواهای آنان پیروی مکن و از آنان دوری کن؛ مبدا تو را از بعض آنچه خداوند بر تو نازل کرده است، برگردانند.

این آیه به صراحت فرمان اجرای دستورات خداوند را در اجتماع توسط رهبری الهی می‌دهد و وضعیت اعراض کنندگان از حکم خدا را بیان می‌دارد. سپس خداوند در آیهٔ ۶۴ سورهٔ مبارکهٔ انفال (یا ایها النبی حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین) ۱، ارکان حکومت اسلامی را خدا و مردم معرفی می‌کند و مبنای نظام اسلامی را رهبری الهی می‌شمارد. البته انسان‌های مؤمن را نیز پشتوانهٔ حکومت الهی دانسته و به آنان در باب پایداری در راه حق و نصرت خدا امیدواری داده است. در عین حال، اعتماد به بی‌دینان و منافقان را بی‌اعتبار دانسته است و برای آن هیچ ارزشی قائل نیست. چون از دیدگاه قرآن، پیروی نشئت گرفته از ایمان ارزشمند و قابل ارج‌گذاری است و ایمان منهای تبعیت، غیرقابل قبول و مطرود است. خداوند متعال در این آیهٔ شریفه حمایت از مردم و پیروزی‌شان را منوط به پیروی از پیامبر اکرم (ص) دانسته است و با آوردن واژهٔ «من» پیش از مؤمنین، این حقیقت را نیز یادآوری می‌کند که در جامعه، انسان‌های مخالف و معاند نیز وجود دارند.

لزوم تشکیل حکومت اسلامی

اسلام بزرگ، دین توحید و شکنندهٔ شرک، کفر، بت‌پرستی و خودپرستی است. دینی که فطری است و بشریت وامانده در شبهات بی‌دینی و بددینی را به بهترین و راست‌ترین صراط‌هدایتگر است. دینی که عبودیت و عبادتش با سیاست آمیخته است و سیاستش را عبادت محسوب می‌کند و در کشاکش

اسلام بزرگ،
دین توحید و
شکنندهٔ شرک،
کفر، بت‌پرستی
و خودپرستی
است. دینی که
فطری است و
بشریت وامانده
در شبهات
بی‌دینی و
بددینی را
به بهترین و
راست‌ترین
صراط‌هدایتگر
است

طبق این
آیه شریفه،
تقسیم‌بندی
مردم در
قیامت
بر اساس
رهبران‌شان
است. پس هر
انسانی ناگزیر
باید برای خود
الگو و رهبر
انتخاب کند و
نباید نسبت به
مسائل رهبری
منزوی و
بی تفاوت باشد

هرج و مرج‌های اعتقادی، فکری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اندیشه‌های مبتنی بر دین را راه‌گشا می‌داند. به‌ویژه با اکمال دین و اتمام نعمت خدا بر بندگان با بعثت نبی مکرم اسلام، اسلام ناب محمدی (ص) را زمامدار زندگی پیشین و پسین انسان می‌کند. دین اسلام، با جامع‌ترین احکام فردی و اجتماعی که مشتمل بر ابعاد مادی و معنوی است، ناخدای کشتی سعادت بشر محسوب می‌شود. از مهم‌ترین و ضروری‌ترین برنامه‌های این دین در زمینه اجتماعی، تشکیل حکومت اسلامی است که قوانین شرع مطهر آن، خود بهترین مصداق برپایی حکومت دینی است. از کوتاه‌ترین و پرمحتواترین مفاهیم نهفته در الفاظ نماز، تا پرداخت زکات و خمس، همه و همه در جهت زنده نگه داشتن شالوده نظام و حکومت اسلامی است. در واقع، تشکیل حکومت اسلامی بستر پیاده‌سازی قوانین و احکام اسلامی است و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و پهناور، اجرا و اداره احکام اسلامی عملاً امکان‌پذیر نخواهد بود. از سوی دیگر، عقل و منطق بشری نیز بر ضرورت تشکیل حکومت در جوامع صحه می‌گذارد و دانشمندان، متفکران و جامعه‌شناسان نیز هر چند در عامل به‌وجودآورنده حکومت اختلاف نظر دارند، در ضرورت تشکیل آن متفق‌القول‌اند. چرا که همواره مدنیت بشر با نوعی حکومت همراه بوده است. ابن‌خلدون، با اینکه عوامل مولد حکومت را غلبه و زور می‌داند، آن را برای جامعه لازم و ضروری می‌شمارد و معتقد است: «رهبری و حکومت یکی از ارکان و عناصر لازم تمدن است و تا آن گاه که مردم از یک رهبر تبعیت نکنند؛ تمدن و عمران امکان‌پذیر نخواهد بود.» (بهشتی: ۱۱)

حکومت دینی، که در جهان امروز از آن به «تئوکراسی» یاد می‌شود، همان حکومت مطلقه الله است؛ حکومتی که قانون‌گذاری خدا را در رأس و رهبر آن را به‌عنوان خلیفه الله پذیرفته است و هدفی جز تأمین مصالح همه جانبه کلیه افراد ندارد. لازم به ذکر است که اصل حکومت دینی مورد اتفاق قاطبه مسلمانان اعم از شیعه و سنی است. اهل سنت نیز مانند شیعه عقیده دارند که:

● دین اسلام صرفاً مشتمل بر احکام فردی و عبادی نیست بلکه دارای قوانین اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و... است.

● احکام الهی به زمان خاصی مانند زمان رسول خدا (ص) منحصر نیستند. چون هر دو مذهب باور دارند که: (حلال محمد حلال ابدالی یوم القیامه و حرامه حرام ابدالی یوم القیامه).

● اجرای احکام

اسلامی جز با تشکیل حکومت دینی مقدور نیست. پس اختلاف در اصل وجود حکومت و نظام اسلامی نیست بلکه در چگونگی آن است.

نیاز به رهبر از منظر قرآن

قبول زندگی جمعی در حیات انسان‌ها نمی‌تواند از موضوع رهبری جدا باشد. چرا که برای مشخص کردن خط اصلی زندگی یک جمعیت، همیشه نیاز به رهبر و پیشوا احساس می‌شود. اصولاً پیمودن راه تکامل بدون استفاده از رهبر ممکن نیست. در علم عقاید و کلام نیز با استفاده از قاعده لطف توجه به نقش رهبر در نظم جامعه و جلوگیری از انحرافات، بعثت انبیا و لزوم وجود امام و پیشوا در هر زمان اثبات شده است.

قرآن کریم در آیات متعددی بر وجود رهبر در جامعه تأکید کرده است و هیچ امتی را از داشتن رهبری شایسته بی‌نیاز نمی‌داند. از دیدگاه قرآن، هر عصری باید امامی و هدایت‌کننده‌ای داشته باشد: (... و لکل قوم هاد) (رعد/ ۷ هر قومی را هدایت‌کننده‌ای است). و از آن جهت که در دفاع و حمایت از مستضعفین مرز نمی‌شناسد، هیچ ملتی را بدون رهبر پیروز میدان نمی‌داند. رهبری که بنا به فرمایش قرآن، الهی باشد و از سوی خدا منصوب شود. در آیه ۷۱ سوره مبارکه اسرا می‌خوانیم: (یوم ندعوا کل اناس بامامهم فمن اوتی کتابه بيمينه فاولئك یقرئون کتابهم و لا یظلمون فتیلاً): روزی که هر گروهی از مردم را با پیشوایانشان فرا می‌خوانیم، پس هر کس نامه عملش به‌دست راستش داده شود. پس آنان نامه خود را با شادی می‌خوانند و کمترین ستمی بر آنان نمی‌شود.

طبق این آیه شریفه، تقسیم‌بندی مردم در قیامت بر اساس رهبران‌شان است. پس هر انسانی ناگزیر باید برای خود الگو و رهبر انتخاب کند و نباید نسبت به مسائل رهبری منزوی و بی تفاوت باشد؛ چون در قیامت با او محشور می‌شود. البته این انتخاب باید با پیروی و اطاعت بی‌قید و شرط از رهبر باشد، نه اینکه امری زبانی و در حاشیه زندگی افراد مطرح شود. چون در سعادت و شقاوت مردم رهبران نقش دارند.

همچنین، آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده ۲ قوی‌ترین سند اثبات این اصل اعتقادی است که جامعه بدون رهبر نمی‌شود. خداوند متعال در این آیه از قرآن، پیامبر خویش را به ابلاغ تتمه رسالت خویش و در ادامه، به عمل به این انزال فرا می‌خواند، چون جامعه نوپای پیامبر را باید رهبری شایسته زعامت کند که در غیر این صورت، امکان نابودی مکتب و گمراهی امت وجود دارد.

پس طبق قانون الهی و اسلامی، زمین هیچ‌گاه از

هدایت‌کننده‌ای که مردم را به حق هدایت کند، خالی نیست. یا باید پیامبری باشد و یا هادی دیگری که به امر خدا هدایت کند. این حقیقت محکم در حدیث زیبایی از امام صادق (علیه‌السلام)، که از جد بزرگوارشان امام سجاد (علیه‌السلام) نقل کرده‌اند، آمده است: «... از روزی که خدا آدم را آفریده است، تا حال هیچ‌گاه زمین از حجت خالی نبوده است. ولی آن حجت گاهی ظاهر و مشهود و گاهی غایب و مستور بوده است و تا روز قیامت نیز، زمین از حجت خدا خالی نخواهد بود. و اگر امام نباشد، خدا پرستش نمی‌شود» (ینابیع الموده، ج ۲: ۲۱۷).

طبق فلسفه سیاسی شیعه، در دوران غیبت امام زمان (عج)، حکومت اسلامی و حاکمیت ارزش‌های دینی زمانی تداوم می‌یابد که حاکمیت تحت اشراف و نظارت عالمان آگاه قرار گیرد؛ عالمانی آشنا به جوانب دین و ابعاد قرآن، آشنا به درد انسان‌ها و روح زمان، و شناساننده حرکت حیات انسانی که در تعبیر ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به عالمان ربانی تعبیر شده‌اند. آنچه که امروزه از آن به‌عنوان «ولایت فقیه» یاد می‌شود.

مسئولان حکومت اسلامی احیاگران فرائض

بزرگ الهی

(الذین ان مکنهم فی الارض اقاموا الصلاة واتوا الزکاة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر): (حج/ ۴۰): کسانی که اگر آن‌ها را در زمین تسلط و توان دهیم، نماز را به‌پا می‌دارند و زکات می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. این آیه ضمن بیان ویژگی حکومت اسلامی، ویژگی رهبران و مسئولان آن را نیز بیان می‌دارد که نماز را برای قرب به پروردگار، زکات را برای گسترش عدالت اجتماعی، و امر به معروف و نهی از منکر را برای مبارزه با مظاهر فسق و فجور و زمینه‌سازی برای رشد خوبی‌ها باید زنده نگه دارند. چون اولین ثمره و نتیجه حکومت صالحان بنا بر آیه مذکور، برپا داشتن نماز است. چرا که عالی‌ترین ذکر خدا، وسیله جبران گذشته، یگانه داروی آرام‌بخش، و نشانه حکومت بهشتیان نماز است. بنابراین، اولین و مهم‌ترین وظیفه رهبر اسلامی اقامه نماز است؛ چیزی که ملت ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری مرجع عالیقدر و اندیشمند بزرگ، امام خمینی (ره) جلوه‌های باشکوه و بی‌نظیری از آن را به‌نمایش گذاشت.

زکات از حیث اهمیت هم‌ردیف نماز است. عالی‌ترین ثمره زکات، جذب رحمت پروردگار است. امر به معروف و نهی از منکر نیز نشانه استواری عقیده و سبب اقتدار در روی زمین است؛ البته به این شرط که مصلح نیز صالح باشد. این چهار ارزش اعتقادی باید توسط رهبر و مسئولین نظام در اهم

برنامه‌های مدیریتی در نظر گرفته شوند. چرا که رستگاری امت با رهبر منوط به انجام و احیای این فرائض، در عین تلاش برای رشد معنوی و اخلاقی است. رهبر جامعه اسلامی باید برای تأمین رفاه حال مردم و حل مشکلات اقتصادی و معیشتی آن‌ها، بهترین و کارآمدترین برنامه‌ها و نیروها را به کار گیرد. اگر علل موفقیت و پیشرفت اسلام را در دو چیز خلاصه کنیم، بی‌شک یکی از آن دو ویژگی، خوداسلام و معجزه قرآن است، و دیگری روش و خلق و خوی پیغمبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه). ایشان خود فرموده‌اند: «ما جماعت انبیا به مدارا کردن با مردم فرمان داریم، همچنان که به برپاداشتن فرائض مأموریم» (شیخ طوسی، ۱۴۱۳ هـ.ق: ۵۲۱)

به‌راستی که هیچ‌گونه دگرگونی اجتماعی بدون دگرگونی اخلاقی میسر نیست. چون خداوند در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران ۳، یکی از ویژگی‌های رهبر امت اسلامی را، رحمت و عطوفت می‌داند و تأثیر عمیق حسن خلق را در وصول به اهداف و رهبری و اداره هر مجموعه و ایجاد وحدت در میان افراد بیان می‌دارد. گذشته تمام حکومت‌های ساقط شده نشان داده است که رهبران خشن و سنگدل سهمی در تسخیر قلوب ندارند؛ در صورتی که مبنای نظام و حکومت اسلامی محبت و اتصال به مردم است.

طبق آیه مذکور، ویژگی دیگر رهبر اسلامی مشورت با مردم است؛ امری که پیامبر اسلام به‌دستور خداوند آن را پایه‌گذاری کرد و جزو برنامه‌های زندگی رهبر می‌داند. پیامبر بدین‌وسیله به همراهان و پیروان خود شخصیت بخشید و نیروی فکر و اندیشه آن‌ها را پرورش داد. البته این مشورت نباید مانع از قاطعیت رهبر در تصمیم‌گیری‌ها شود.

در بخشی دیگر از قرآن کریم، در داستان غیبت هدهد در حکومت حضرت سلیمان (ع) نیز چند نکته در باب رهبری و مدیریت وجود دارد. اینک بهترین و به‌یاد ماندنی‌ترین مطالب آن‌هایی هستند که با داستان و مثال بیان شوند. در این‌باره در قرآن کریم، سوره نمل، آیه‌های ۲۰ و ۲۱ می‌خوانیم: (و تفقد الطیر فقال ما لی لاری الهدهد ام کان من الغائبین * لاعذبنه عذاباً شديداً او لا اذبحته اولياتی بسلسطان مبین): و (سلیمان) در میان مرغان جست‌وجو کرد. پس گفت مرا چه شده است که هدهد را نمی‌بینم یا آنکه از غائبان است. حتماً او را عذابی سخت می‌کنم، یا او را سر می‌برم؛ مگر اینکه دلیل روشنی بیاورد.

از نکات تفسیری این آیه چنین برمی‌آید که رهبر و مدیر هر مجموعه‌ای باید در سازمان تشکیلاتی خود آن‌چنان دقیق باشد که حتی غیبت فردی عادی را احساس و پیگیری کند. مدیر و رهبر باید مراقب تخلف

زکات از حیث اهمیت هم‌ردیف نماز است. عالی‌ترین ثمره زکات، جذب رحمت پروردگار است. امر به معروف و نهی از منکر نیز نشانه استواری عقیده و سبب اقتدار در روی زمین است

خداوند به
کسانی از
شما که ایمان
آورده و عمل
صالح انجام
داده‌اند، وعده
داده است
که آنان را در
روی زمین
جانشین خود
کند و حکومت
بخشد

افراد باشد و برای اینکه تخلف عادت افراد نشود، متخلف را تهدید و تنبیه کند. توجه به مسائل بزرگ نباید او را از توجه به مسائل کوچک باز دارد. تیزبینی، دقت، نظم و انضباط، و تسلط بر همه امور، شرط لازم مدیریت و رهبری در هر کاری است. تفقد به زیردستان، هم اصلی اخلاقی-اجتماعی و هم از اصول مدیریت رهبر است. در تشکیلات و نظام برای هر کاری مجوز و حکم قانونی لازم است. قبول منطق و استدلال درست، حتی در جایگاه رهبر هم ضروری است.

رهبر جامعه اسلامی همچنین ظلم مردم نسبت به خویش را می‌بخشد و برای گناهان آن‌ها طلب آمرزش و استغفار می‌کند. رهبر همچنین باید به قانون اساسی کشورش علم داشته باشد تا بتواند حکومت اسلام را که حکومت قانون است، اداره کند و به خاطر کمال اعتقادی و اخلاقی، دامن از ارتکاب معاصی برچیند. در نهج‌البلاغه، خطبه ۳ از امام علی (علیه السلام) روایت است که رهبر نباید بخیل باشد، تا بر اموال مسلمانان حرص نوردد، نباید جاهل باشد، تا مردم را به گمراهی نکشاند، و جفاکار نباشد، تا مردم رابطه خود را با او قطع نکنند، و از دولت‌ها نترسد، تا با یکی دوستی و با دیگری دشمنی نکند، و رشوه‌خوار نباشد، تا حقوق مردم را پایمال نکند. امام خمینی (رحمة الله علیه) نیز به‌عنوان احیاگر اسلام ناب محمدی در قرن حاضر، مقبولیت، اعتقاد، علم، عمل، اعراض از دنیا، تواضع، شناخت عرف، یادگیری منطق و اصول فقه و علم رجال، و شناخت کتاب و سنت را جزو شرایط اختصاصی رهبر می‌دانستند.

جایگاه مردم در نظام اسلامی

آیه ۶۴ سوره مبارکه انفال ۴، خدا و مردم را دو رکن اساسی نظام اسلامی می‌داند. چرا که از یک‌سو حکومت دینی مستند به خداوند و خواست و اراده اوست، و از سوی دیگر، مردم جایگاه والایی در حکومت اسلامی دارند و خواست مردم و رهبر در نظام اسلامی در طول خواست خداوند است. چون اولاً خداوند از حاکمان خواسته است که با تمام توان در جهت تحصیل مصالح و رضایت مردم بکوشند، و در غیر این صورت آنان را مورد بازخواست و سؤال قرار خواهد داد، و ثانیاً رضایت و خواست مردم تا آنجا مورد توجه است که برخلاف خواست، رضایت و قانون خدا نباشد.

خداوند همچنین سرنوشت جوامع و انسان‌ها را به‌دست خودشان سپرده است. بنابراین، در وجود حکومت‌ها و دولت‌ها، مردم پیکره و شالوده تغییر و تحول‌ها هستند. حال اگر ملتی اراده خیر کند، خداوند زمینه و ابزار لازم را فراهم می‌آورد. این قانون کلی از پایه‌های جهان‌بینی اسلامی است که هر گونه تغییر

و دگرگونی در خوش‌بختی و بدبختی اقوام، از خودشان است و هر تغییر بیرونی منوط به تغییر درونی ملت‌هاست.

در نهج‌البلاغه، نامه ۳۵ از امیرالمؤمنین علی (ع) آمده است: «درون خود را با مهربانی و دوستی و محبت نسبت به مردم مالمال کن. مبدا چون درنده‌ای برایشان باشی که خوردنشان را غنیمت شماری. چرا که تو بر آنان چیره‌ای و آن‌که بر تو ولایت دارد، مافوق توست و خدا بالا دست اوست.»

«امام خمینی (ره) نیز نقش مردم را در حکومت اسلامی این‌گونه بیان می‌دارند که آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و هم‌گامی آن‌ها با حکومت منتخب خودشان، بزرگ‌ترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه خواهد بود. ایشان همچنین ملت را ناظر بر اجرای اسلام می‌داند و لزوم استمرار حضور مردم و مشارکت مردم در همه امور را جزو مسئولیت‌ها و حقوق آن‌ها بیان می‌دارد و از مردم به‌عنوان بهترین پشتیبان نظام یاد می‌کند. ایشان معتقد بود: ساختن کشور جز با مشارکت عمومی مردم محقق نخواهد شد.» (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۴: ۲۴۸).

به‌طور کلی می‌توان گفت راز موفقیت انقلاب‌ها در جهت استقرار حکومت، همه در گرو حضور ملت در صحنه و مشارکت همه‌جانبه در سرنوشت خویش است.

تداوم حیات نظام اسلامی

در ترجمه آیه ۵۵ سوره نور می‌خوانیم: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده داده است که آنان را در روی زمین جانشین خود کند و حکومت بخشد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین ساخت و حتماً آن دینی را که برای آنان پسندیده است، برای آن‌ها مستقر و استوار سازد، و بی‌تردید حال آن‌ها را پس از بیم و ترس، به امن و ایمنی تبدیل کند. به‌طوری که تنها مرا ببرستید و چیزی را شریک من قرار ندهید و هر کس که از این نعمت کفران ورزد، به حقیقت نافرمان است.

بنابراین، ایمان به خدا و ایمان به تحقق وعده الهی درباره مؤمنان و پیروزی صالحان و چیرگی بر آینده تاریخ جهان، انسان را بیش از بیش به تلاش در جهت حفظ و حراست از نظام اسلامی ترغیب و او را به آینده روشن همه حوادث امیدوار می‌سازد. پیروان مکتب رسول الله و علی‌الخصوص شیعیان به این اصل اعتقاد راسخ دارند.

دیگر عامل مهمی که آدمی را برای حفظ انقلاب و نظام برخاسته از قانون خدایی مسئول می‌سازد، علم



اولین نشانه و
تأثیر انقلاب
اسلامی
نیز بیداری
و خیزش
ملت‌های
مسلمان
است که همه
از پیامدهای
مثبت این
نظام و این
انقلاب
به‌شمار
می‌روند

انقلاب اسلامی ایران، طلایه‌دار حکومت اسلامی در عصر حاضر

حال که انقلاب اسلامی ایران نمود حکومت دینی رسول خدا (ص) در قرن حاضر است، مسئولیت‌های ما و تمام مردمان این سرزمین حساس‌تر و چندین برابر شده است. به تأسی از رهبر فقید انقلاب اسلامی‌مان که فرمودند: «حفظ اسلام یک فریضه است، بالاتر از همه فرایض»، بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون، حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است. از دیدگاه ایشان، حفظ نظام نیز به این است که مردم در صحنه باشند و اختلاف نداشته باشند. حفظ اسلام در گرو وحدت و پشتیبانی ملت است.» (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۱۸: ۱۳۰).

«انقلاب اسلامی به‌عنوان میراث‌بزرگ امام خمینی (رحمة الله علیه) و بزرگ‌ترین تحول جهانی قرن بیستم، چون خورشیدی طلوع کرده بر کنگره‌های ظلمت و بی‌دینی، حیات‌بخش زندگی بشریت خفته در مغرب جهالت و بی‌ارادگی است؛ انقلابی که رهبرش از پرورش‌یافتگان مکتب رسول الله بود. روح خدایی که روح زندگی و ناموس و اجتماع و شعله تاریخ و چکامه معنویت و مایه غرور انسانی و شور و شعور سیال جامعه و مرزبان معنوی و باروری اندیشه‌های متعالی و حسنه‌ای است که خداوند به روزگار ما عنایت فرموده بود.» (حاجتی، ۱۳۸۲: ۳۰)

انقلاب برخاسته از علم و اعتقاد عمیق رهبری با این شخصیت عظیم و فراموش نشدنی تاریخ و نیز همراهی و همدلی ملتی بیدار و فهیم، آغازگر فصل جدیدی در معنویت‌گرایی ملت‌های عصر حاضر شده است که هم رهبری منحصربه‌فرد آن و هم بی‌نظیر بودن انقلابش، آن را سرمشق انقلاب‌های کنونی کرده است. انقلابی که با احیای مجدد فرایض دینی در کشوری غرب‌زده و

به اهداف حکومت اسلامی است که شاخص‌ترین این اهداف، استقرار توحید و خداپرستی در زمین و رهایی مردم از بندگی غیرخدا است: (ولقد بعثنا فی کل امه رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت)؛ (نحل / ۳۶)، و دیگر رشد و تعالی علمی، فرهنگی و تربیتی انسان‌ها و رهایی آنان از تاریکی جهل (هو الذی بعث فی الاممیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلّمهم الكتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین)؛ (جمعه / ۲)، آزادسازی توده‌های مردم و انسان‌های مستضعف از چنگال ظالمان و مستکبران و از زنجیرهای اسارت و بردگی (و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم)؛ (اعراف / ۱۵۷) و نهایتاً برپایی جامعه نمونه و مدینه فاضله آرمانی از راه اقامه قسط و عدل اسلامی (و لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط)؛ (حدید / ۲۵). پس اهداف بزرگ اراده‌های سترگ می‌طلبند و انقلاب‌های اسلامی، به ملت‌هایی فداکار و با صلابت نیاز دارند.

اما چیزی که از اهمیت فراوانی برخوردار است، داشتن بصیرت برای حفظ و حراست از اسلام و پیش از آن کسب معرفت و باور این اهداف است. چون هر چه بزرگی هدف بهتر و بیشتر درک شود، تلاش‌های صورت گرفته بی‌منت‌تر و بی‌شائبه‌تر خواهند بود، و چون منافع نهفته در فداکاری برای اسلام دو جانبه و مشارکتی است، پس ملت باید در جهت منافع خود به سود نظام اسلامی گام بردارد؛ همان‌گونه که نظام اسلامی تأمین مصالح دین و دنیای افراد را برعهده گرفته است. بالاتر از همه، این نفع‌طلبی‌ها رضایت‌پروردگار متعال از استقرار حکومت دینی برای جهانی‌سازی معنویت و ایجاد آمادگی در افراد و جامعه منتظر برای رسیدن به شایستگی ظهور امام زمان (عج) است.

بهترین
تقدیرها
متعلق به
ملتی است
که تغییر را از
تک تک افراد
خود آغاز کرد.
خداوند متعال
نیز با واجب
کردن امر به
معروف و نهی
از منکر، کلید
سعادت ملت
را به دست
خودشان
سپرده است

اعطای انسانیت، شخصیت و آزادی به ملتی اسیر شده در قانون‌های شاهنشاهی، و با برگرداندن عزت و آبروی حکومت اسلامی با نفی هر گونه تسلط بیگانگان در کشور، استقلال و آزادی را دوباره معنا کرد و با این خصوصیات متعالی، مبنای تمدن آینده بشریت و به‌عنوان انقلاب‌مادر در هزاره‌های بعدی تاریخ حیات انسانی، موجد تحولات و تغییرات اساسی در شالوده نظام‌های بی‌اعتنا به بشارت قرآن کریم و وعده الهی شد.

اولین نشانه و تأثیر انقلاب اسلامی نیز بیداری و خیزش ملت‌های مسلمان است که همه از پیامدهای مثبت این نظام و این انقلاب به‌شمار می‌روند. اثرگذاری و پیامدی که عصر حاضر را به عصر توبه بشریت نام‌گذاری کرد و آن شاءالله تا انحطاط تمدن ریشه گرفته در ظلم و بی‌عدالتی پیش خواهد رفت. واضح و مبهرن است که پیروزی این انقلاب و نظام جز از ناحیه اسلامی بودن آن نیست. اکسیری که مانایی و پویایی حکومت مرهون و مدیون آن است و به خواست خدا، به ملت و مدیریت آن تا رسیدن به راهبردهای بلندمدت و صادر کردن انقلاب به تمام جهان کمک خواهد کرد. آرمان و هدفی که بنیان‌گذار آن با عزمی راسخ، رسیدن به آن را رسالت تاریخی انقلاب می‌دانستند و می‌فرمودند: «ما باید انقلابمان را صادر کنیم» و منظور از صادر کردن انقلاب را صادر کردن معنویت پیدا شده می‌دانستند، نه کشیدن شمشیر و جنگ‌افروزی.» (حاجتی، ۱۳۸۲: ۵۲)

انقلاب اسلامی ایران و بیداری ملت‌ها

اگر ملتی ظلم و بی‌عدالتی ببیند، اگر تمام وسایل رفاهی و امکانات مختص طبقات بالای جامعه باشند، اگر قوانین مالیاتی به زیان اکثریت پایین جامعه وضع شود، اگر سران کشور، حکومت را با زور و ستم و با حمایت کشورهای خارجی به‌دست گرفته باشند، اگر ذخایر و معادن کشور به خاندان حکومتی تعلق داشته باشد، اگر اکثریت جامعه از داشتن زندگی در حد متوسط محروم شده باشند، اگر رأی و نظر اکثریت مردم در تعیین سرنوشت کشور تأثیر نداشته باشد، و اگر افراد فاقد صلاحیت زمام امور را به‌دست گیرند، افسردگی، عصبانیت، بغض و کینه، و حسد نسبت به دولت حاکم چون آتش زیر خاکستر مخفی می‌ماند تا به ظرفیت واقعی برسد و در فرصت مناسب و با هدایت یک رهبر ملی یا مذهبی و مورد اعتماد، شعله‌ور شود. آن‌گاه

ملت می‌تواند انتقام بگیرد و به حقوق پایمال شده خود برسد. اگر ملتی با همین شرایط ذکر شده به رهبری شخصی انقلاب کند و سرافرازانه در برابر تمام ابرقدرت‌ها بایستد، نه تنها دست آن‌ها را از تمامیت ارضی کشورش قطع کند، بلکه در برابر تمام تجاوزها، قطعنامه‌ها و تهدیدها مقتدرتر از دیروز نقش کلیدی در سیاست خارجی بین دولت‌ها ایفا کند و الگوی آن‌ها باشد، به مراتب امیدش به پیروزی بیشتر و توکلش عمیق‌تر و عزمش راسخ‌تر می‌شود.

انقلاب اسلامی ایران با نمایاندن چهره واقعی اسلام، جامعیت و کامل بودن آن را دوباره ثابت کرده و نقطه آغاز حرکت جهانی به‌سوی معنویت و خداباوری شده است. حرکتی که از کشورهای چون مصر، تونس، بحرین، عربستان، و... آغاز شده است و با غوطه‌ور شدن غرب در گرداب اقتصادی و دینی، ابعاد تازه‌ای به خود می‌گیرد و با به چالش کشیدن مکاتب الحادی، یکی پس از دیگری تحولات عمیقی در ملت‌ها برای بیداری ارزش‌های وجودی‌شان ایجاد می‌کند؛ چیزی که قرآن بدان وعده فرموده و غایت رسالت انبیا برای تحقق آن شکل گرفته است: (ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عباد الصالحون) (انبیا/ ۱۰۵): و ما در زبور پس از تورات نوشته‌ایم که زمین را بندگان صالح من به ارث می‌برند.

بیداری ملت

همه حوادث مهم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، که عالی‌ترین نمود حکومت دینی مردم‌سالار است، گویای وجود اعتماد متقابل میان مردم و نظام اسلامی است. از یک سو، وجود افراد دارای گرایش‌های مختلف برای شرکت در تصدی مسئولیت‌های مهم و زمینه‌سازی برای گفت‌وگو و بیان دیدگاه‌ها و از سوی دیگر، شرکت حداکثری ملت ایران در تمام صحنه‌های مهم نشانگر این است که نظام اسلامی به مردم خود اعتماد دارد. متقابلاً مردم هم برای حفظ آرمان‌های نظام از جان و مال خود مایه می‌گذارند. اما همیشه از این شکوه و عظمت و هم‌بستگی با افتخار یاد نمی‌شود. چه بسا دشمنان همیشگی قرآن و اسلام در کمین روزنه‌های غفلت و بی‌توجهی‌اند. لذا به‌دنبال فرصت‌ها از هر شیوه‌ای برای اعمال فشار و ضربه زدن به نظام و انقلاب استفاده می‌کنند. دشمنانی که با حیل و نیرنگ گاهی در لباس تهدید، گاهی در جنگ رو در رو، گاهی با ایجاد تفرقه‌های قومی و قبیله‌ای، گاهی با تشنت افکار و گاهی آرام و بی‌صدا، با جنگ نرم‌افزاری و رسانه‌ای رخ می‌نمایند و به هر شیوه‌ای که ابزار وجود می‌کنند، تنها

درصد قطع ریشه‌های اسلامیت، آزادی و استقلال انقلاب و کشور ما هستند. اما باید باور کنیم، هرچه دشمنی‌ها گسترده‌تر و شدیدتر باشند، درستی راه و عقیده و ایمان را بیشتر نشان می‌دهند. بهترین وسیله برای رویارویی با چنین دشمنانی، مراقبت از فرایض و خوبی‌ها در جامعه و دیگر افزایش معرفت و بصیرت نسبت به آرمان‌هایمان است.

بهترین تقدیرها متعلق به ملتی است که تغییر را از تک‌تک افراد خود آغاز کرد. خداوند متعال نیز با واجب کردن امر به معروف و نهی از منکر، کلید سعادت ملت را به‌دست خودشان سپرده است تا نیکان در برابر بدان سکوت نکنند و در اصلاحشان بکوشند. که اگر بی تفاوت باشند، خداوند آنان را در سرنوشت بدان ملت سهیم خواهد کرد. پیش از اینکه دشمن ضعف‌ها و کاستی‌ها را ببیند، خود برادرانه و دلسوزانه آینه یکدیگر باشند و از اصول اعتقادی و دینی خود با انجام هر چه باشکوه‌تر امر به معروف و نهی از منکر صیانت کنند و در حفظ ارکان و پایه‌های خیمه اسلام پیشرو باشند.

اما داشتن معرفت و بصیرت در این برهه زمانی حساس جزو مهم‌ترین عناصر و تجهیزات مقابله با دشمنان است. فتنه‌های اخیر در کشور نشان دادند که ملت ما برای درک آن‌ها باید آگاهانه‌تر ببیند، متعهدانه‌تر تصمیم بگیرد و حساب‌شده‌تر عمل کند؛ بصیرتی که رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها اهمیت آن را یادآور شده و به لزوم افزایش آن در جامعه امروز تأکید کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «مردم باید به مسئله بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع.» ایشان در اهمیت بصیرت نیز می‌فرمایند: «بصیرت نورافکن است، بصیرت قبله‌نماست که هر زمان که ملت مجهز به بصیرت بود و احساس تکلیف و تعهد و مسئولیت نموده است، غالب بوده است.» (برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۷۷)

عامل بعدی در تداوم توفیق ملت مسلمان ایران در جهان، که با حکومت اسلامی شناخته شده است، غافل نشدن از تلاش دشمن برای ایجاد اختلاف است. بهترین پاسخ برای این میدان، کنار گذاشتن اختلافات جزئی و تأکید بر اصول و حفظ وحدت امت اسلامی است. دیگر کار مهم، لحظه‌شناسی و انجام بهترین کار هنگام بروز مشکلات است، و دیگر پرهیز از افراط و تفریط. چرا که هر جا کناره‌گیری، سکوت و بی تفاوتی بوده، به اندازه زیاد روی مخرب بوده و زبان رسانده است.

داشتن شجاعت، توکل، اعتماد و حسن ظن به خدای متعال و تلاش برای افزایش آگاهی و شاخص قرار دادن عقل و خرد و برنامه‌ریزی بلندمدت، جزو وظایف و مسئولیت‌های ما پیروان خط امام خمینی (ره) است.

نتیجه‌گیری

خداوند متعال نعمت‌های فراوانی به انسان ارزانی داشته که شکرگزاری ناچیزترین کار برای تشکر از آن‌هاست. اما گاهی نعمت‌ها آن‌قدر بزرگ و حیاتی هستند که شکرگزاری از آن‌ها جز با شناخت ابعاد و چگونگی آن‌ها میسر نیست. اسلام و حکومت اسلامی در زمره این نعمت‌های بیکران است. اگر خیمه اسلام را با ستون‌های محکمی پابرجا بدانیم، بی شک چهار رکن آن احکام و قوانین خدایی، حکومت اسلامی، رهبری اسلامی، و ملت مسلمان هستند. این ستون‌ها باید در کنار هم باشند تا اسلام بتواند سایه افکند و روی آوردگان مکتبش را بهره‌رساند. خداوند متعال در قرآن کریم در موارد متعددی از ایجاد، حیات و تداوم این چهار رکن سخن رانده و مطالب بی شماری را درباره آن در قالب خطاب به پیامبر عظیم‌الشأنش عرضه داشته است. از آنجا که وجود قرآن به‌عنوان آخرین معجزه همیشگی است، راهکارهای آن نیز در باب مسائل پیش آمده در جهان امروز راه‌گشا است.

- در این مقاله، با نگاهی به چند آیه در خصوص حکومت اسلامی، در پی آن بودیم که این واقعیت‌ها را دوباره، نه صرفاً برای آگاه‌سازی مخاطب خویش، بلکه از باب تذکر برای خودمان، بیان کنیم که:
- حکومت اسلامی نعمت بزرگ الهی است.
- برای شکرگزاری از نعمت‌ها باید آن‌ها را شناخت.
- گاهی شناخت کافی نیست بلکه باید خود را متعهد دانست.
- حکومت اسلامی را باید رهبر اسلامی حیات و امت اسلامی تداوم بخشد.
- چون اساس حکومت اسلامی دین کامل الهی است، باید الگوی سایر حکومت‌ها باشد.
- انقلاب اسلامی ما در راستای احیای اصول فراموش شده اسلام در عصر حاضر توسط امام خمینی (ره) پایه‌گذاری شد.
- چون اصل انقلاب اسلامی ما دینی و مردمی است، قدرت نفوذ در سایر ملت‌ها را دارد.
- تحولات صورت گرفته در منطقه نشان تأثیرگذاری انقلاب ما و آغاز تحقق رسالت آن است.
- رسالت انقلاب ما صادر کردن اسلام و بیداری وجدان‌هاست.
- خداوند پیروزی حکومت جهانی معنویت را تأیید و تضمین کرده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. ای پیامبر خدا و مؤمنانی که از توی پیروی کرده‌اند، برای تو کافی است.
۲. یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل فما بلغت رسالتہ...
۳. فیما رحمہ من اللہ لنت لہم ولو کنت فظاً غلیظ القلب لانقضوا من حولک فاعف عنہم واستغفر لہم و شاورہم فی الامر فانما عزمت فتوکل علی اللہ ان اللہ یحب المتوکلین: (ای رسول ما) پس به خاطر رحمتی که از جانب پروردگار با مردم مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از دور تو پراکنده می‌شدند. پس از تقصیر آنان درگذر و برای آنان طلب آموزش کن و در امور با آنان مشورت نما و زمانی که آن تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن.
۴. یا ایہا النبی قل حسب اللہ و من اتبعک من المؤمنین.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آونسی، سیدمرتضی، حکومت فرزندان بر مبنای حاکمیت سیاسی در اسلام، ۱۳۸۲.
۳. اسکندری، حسین، آیه‌های زندگی، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۱.
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، نقشه نقش بر آب، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۹۰.
۵. حاجتی، میراحمدرضا، عصر امام خمینی (قدس سره)، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲.
۶. شاکرین، حمیدرضا، حکومت دینی، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۷.
۷. شیخ طوسی، امالی، نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۸. صدر خوانساری، حسین، حکومت‌ها و ملت‌ها، انتشارات صدا و سیما، تهران، ۱۳۷۶.
۹. قرآنی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، بی‌تا.
۱۰. حکومت و ولایت فقطه در اندیشه امام خمینی.
۱۱. صحیفه امام (ج ۴) و (ج ۱۸)، تهران، ۱۳۷۹.
۱۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، ۱۳۷۹.